


SÜLEY

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی نبینا
وشفیع ذنوبنا محمد وآله واصحابه الطیبین الطاهرین
چنین گوید فقیر حقیر درویش علی بن یوسف الکرکری
حققه الله تعالی باحصاء اسمائه کما هو حقه ویرحم الله
عبدا یقول آمینا که از اهل طریقت عزیزی اعزه الله تعالی
فی الدارین ازین فقیر التماس کرد که رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده است که ان لله تعالی تسعة وتسعین اسماء
من احصاها دخل الجنة بیان کن که احصاء اسماء الهی
بر چه نوع خواهد بود این فقیر بر حسب اشارت آن عزیز
اعتماد بر کرم کریم تعالی شانه کرده در شرح احصاء اسماء
الهی شروع کرد مبنی بر کلام قلیل و فواید کثیر امیدوارم
که الله تعالی جز صلاح بندگان بر زبان این فقیر جاری
نه کرد انشاء الله تعالی قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
ان لله تسعة وتسعین اسماء من احصاها دخل الجنة
یعنی خدای تعالی را نود و نه اسم است هر کس که احصاء آن
اسما کند در جنت رود ذلک انشاء الله بذکر ای موحد وفقک
الله تعالی

لاحصاء اسمائه که احصا در لغت شمار کردنست اکنون از
ائمهٔ دین کثرهم الله تعالی بین المسلمین بعضی بر انند که احصاء
اسماء الهی آنست که اسماء الهی را بخوانند و عددش بر انند
و بعضی بر انند که اسما را بخوانند و معنیش را بدانند و در عمل
آرند تا از اسماء الهی برخوردار شوند انشاء الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا
یعنی الله تعالی سلطانیست سزاوار پرستش و در
حقیقت هیچ سلطانی نیست الا او پس هر بنده که خواهد
که احصاء اسم الله کند باید که بالله تعالی در نهان و آشکارا
طریق بندگی را بجا آرد فاستقم کما امرت من جمیع الوجوه
رعایت کند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
با سم الله بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم الله تعالی
وی را بذات و صفات و اسما و افعال خود عارف کرداند
و بر سریر سلطنت خلافتش نشاند انشاء الله تعالی
الرحمن یعنی خدای تعالی بخشاینده است بر خواص و
عوام پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم رحمن کند باید که
آفتاب صفت بر بندگان خدای تعالی تابد تا جمله از وی نفع گیرند

[margin:]
برسنان فوز موتو المحی 2
هو
منظوم استر
سو کسه اسمه مشغول المق
اجازتجو کرکدر اکه رهبر
اکر رهبر یوغیسه جکمسونغم
دیسون اول ابن عیسادن مجارم
الوب ابدست ایکی رکعت نمازی
نوافلدن قلوب اینسون نیازی
بدی کره کرکدر نبی اشا ت
اعوذ بسمله سبع صلوات
یورا خلاص فاتحه طقسان طقوز
همان بر آیت الکرسی ایله یوز در
کرکدر یای ندا اسم اولینه
تلفظ تضرع علی بلینه
تمام اولدی شرائط کور فواید
مراد قیلغ اسمیسه اولسون مجاهد
تمام اولد قدر اسمک شماری
دعا ایتسون قولدر ابلیه بار
کرکدر ساعتی بلک دخی هم
کشی بر اسمه مشغول اولدقی

هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم رحمن بروی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم رحمن الله تعالی ویرا سبب
رحمت عالمیان کرداند ان شاء الله تعالی الرحیم یعنی
خدای تعالی مهربانست پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم رحیم کند باید که بر بندکان خدای تعالی مهربان باشد که بر
نفس خویشتن است بحکم لا یؤمن احدکم حتی یحب لاخیه
ما یحب لنفسه هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
باسم رحیم بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم رحیم الله تعالی
ویرا محبوب بخلایق کرداند و از وی جز شفقت و رحمت
با بندکان خدای تعالی چیزی دیکر صادر نشود ان شاء الله تعالی
الملک یعنی خدای تعالی پادشاهیست که عالم و هرچه در عالم
هست جمله ملک اوست تعالی شانه پس هر بنده که خواهد
که احصاء اسم ملک کند باید که بحقیقت پادشاه خدای تعالی را
داند تعالی شانه و هرچه خواهد از وی خواهد و طمع
از مخلوقات قطع کند و جمله را همچو خود فقیر و حقیر و
بی نوا داند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
باسم ملک بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم ملک الله تعالی
ویرا

از ملک و ملکوت و جبروت با نصیب کرداند ان شاء الله تعالی
القدوس السلام یعنی خدای تعالی پاک است و بی عیب
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم قدوس و سلام کند باید که
اعتقاد کند که خدای تعالی از عیوب پاک است و نقصان ندارد
تعالی شانه پس دیده از عیب دیکران بپوشاند و خویشتن را
از جمله معیوبان معیوب تر داند زیرا که قدوس و سلامی
صفت الله تعالی است هر وقت که چنین کرده باشد خدای
تعالی باسم قدوس و سلام بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت
اسم قدوس و سلام الله تعالی ویرا بصفت کمال موصوف
کرداند ان شاء الله تعالی المؤمن یعنی خدای تعالی ایمن
کننده است پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم مؤمن کند
باید که مؤمنان را از دست و زبان خود ایمن کند بحکم
المسلم من سلم المسلمون من یده ولسانه هر وقت که چنین
کرده باشد خدای تعالی باسم مؤمن بروی تجلی کند بعد از آن
از حیثیت اسم مؤمن الله تعالی ویرا از بلای دنیا و عذاب
آخرت ایمن کرداند ان شاء الله تعالی المهیمن یعنی خدای تعالی
کواهست بحقیقت پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم مهیمن
کند

باید که صدق بر قول وی ظاهر باشد و از دروغ و بهتان و غیبت
و غیر ها دور باشد هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
باسم مهیمن بر وی تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم مهیمن الله تعالی
ویرا بحکم فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر در مقام صدیقان
نزد خویش جا دهد ان شاء الله تعالی **العزیز** یعنی خدای تعالی
بی همتاست قوله تعالی من کان یرید العزة فلله العزة جمیعا
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم عزیز کند باید که باید که
خدای تعالی بعزت و حرمت زندگانی کند هر وقت که چنین کرده
باشد خدای تعالی باسم عزیز بر وی تجلی کند بعد از ان از حیثیت
اسم عزیز الله تعالی ویرا در دنیا و آخرت عزیز و مکرم
کرداند بحکم ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین ان شاء الله تعالی
الجبار المتکبر یعنی خدای تعالی بذات و صفات بزرگوارست
تکبر و بزرگواری جز سزای حضرت خداوندی او نیست زیرا که
غیر وی جمله بنده وی اند تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم جبار و متکبر کند باید که هر جا متکبری را بیند
از روی شفقت کوید ای مسکین چرا چنین بوزی چند سزد
که بر روی خود نخندی کبر از سر بدر کن زیرا که عظمت و کبریا

سزاوار حضرت واجب الوجود است تعالی شانه بحکم الکبریاء
ردائی و العظمة ازاری فمن نازعنی واحدا منهما ادخلته
النار و از خویشتن حقیرتر و مسکین تر بر روی زمین
کس را نبیند و هر وقت که چنین که باشد خدای تعالی
باسم جبار و متکبر بر وی تجلی کند بعد از ان از حیثیت
اسم جبار و متکبر الله تعالی ویرا مقامات عالیه روزی
کرداند ان شاء الله تعالی **الخالق الباری** یعنی خدای تعالی
آفریننده مخلوقاتست پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم
خالق و باری کند باید که بحکم الشفقة علی خلق الله بر مخلوقات
مشفق و مهربان باشد و ایشانرا عزت و حرمت دارد
از جهت تعظیم خالق تعالی شانه هر وقت که چنین کرده باشد
خدای تعالی باسم خالق و باری بر وی تجلی کند بعد از ان از حیثیت
اسم خالق و باری الله تعالی چیزی چند از وی صادر کند که
مقدور بشر نباشد و مخلوقات را محکوم و منقاد وی
کرداند ان شاء الله تعالی **المصور** یعنی خدای تعالی صورت
نگارنده است پس هر بنده که خواهد که احصای اسم مصور کند
باید که صور جمله مخلوقات در نظر وی خوب و پسندیده
نماید

زیرا که حکیم بحکمت هر چیزها از خوب و پسندیده خواهد بود
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم مصور بر وی
تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم مصور الله تعالی بسیرت
وصورت ویرا بنور معرفت خود مشرف و مزین کرداند
تا هر چه ازو در وجود آید پسندیده بود ان شاء الله تعالی
الغفار یعنی خدای تعالی پوشاننده گناهان بندکانست
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم غفار کند باید که هر
بدی که از بندکان خدای تعالی بنسبت با وی صادر شود
وی عفو کند و هر گناهی که از ایشان صادر می شود تا
ممکن است بپوشاند هر وقت که چنین کرده باشد خدای
تعالی باسم غفار تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم غفار
الله تعالی جمله گناه ویرا تا غایتی بپوشاند که نه ویرا از
گناه خود خبر باشد و نه غیر ویرا ان شاء الله تعالی **القهار**
یعنی خدای تعالی قهر کننده و شکننده کسیست که فرمان
نمی برد پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم قهار کند باید که
قدم مردانه در راه خدای تعالی نهد و کمر طاعت بر میان
بندد و نفس اماره را با جمله صفات ذمیمه مقهور گرداند

هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم قهار بر وی
تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم قهار الله تعالی دشمنان
ویرا مقهور کرداند ان شاء الله تعالی **الوهاب** یعنی
خدای تعالی عطا کننده بی غرض است پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم وهاب کند باید که اموال خویشتن را از
بندکان خدای تعالی دریغ ندارد و طمع از اموال
ایشان قطع کند و احتیاج خود بر ایشان عرض نکند
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم وهاب
بر وی تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم وهاب الله تعالی
با وی چندان عطا کند که وی غنی دنیا و آخرت گردد
ان شاء الله تعالی **الرزاق** یعنی خدای تعالی روزی دهنده
مخلوقانست پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم رزاق
کند باید که تا تواند طعام و شراب از بندکان خدای تعالی
دریغ ندارد و هرگز تردد را بخود راه ندارد هر وقت
بهر روزی غم نخورد و بسی در طلبش نباشد که اگر طلب
می کند و اگر نمی کند بوی خواهد رسیدن بحکم الرزق یطلب الرجال
کما یطلب الاجل هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی

باسم رزاق بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم رزاق
الله تعالی در رزق و روزی بروی گشاده کرد اند ان شاء الله تعالی
الفتاح یعنی خدای تعالی حاکم بحق است و گشاینده
بندهاست پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم فتاح
کند باید که هر مهمی و مشکلی که ویرا پیش آید رو برا حضرت
فتاح کند و بداند که ابواب رحمت او تعالی شانه دایم گشاده
است هرآینه او را پریشانی و بسته خاطر نخواهد گذاشت
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم فتاح بروی
تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم فتاح الله تعالی جمله مهمات
ویرا برآرد و دل ویرا بنور معرفت خود گشاده کرد اند
تا وی مفتاح جمله مشکلات بشود ان شاء الله تعالی العلیم
یعنی خدای تعالی داناست هرچه بود و هست و خواهد
بود پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم علیم کند باید که
علم خدای تعالی را بهمه اشیا محیط داند و هیچ نوع
دانایی را بخویشتن اضافت نکند هر وقت که چنین
کرده باشد خدای تعالی باسم علیم بروی تجلی کند بعد ازان
از حیثیت اسم علیم الله تعالی ویرا اعلم علماء آن زمان
کرد اند

القابض یعنی خدای تعالی فراگیرنده و تنگ کننده
روزیست پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم قابض
کند باید که نفس خود را از نعم و لذات عالم فراگیرد و رو
فراخلوت تنگ و تاریک آرد و طعام و شراب دنیا بر نفس
خود تنگ کند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
باسم قابض بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم
قابض بروی تجلی کند بعد ازان الله تعالی روزی بر
دشمنان وی تنگ کند و جان ایشان فراگیرد
ان شاء الله تعالی الباسط یعنی خدای تعالی گستراننده
جمعیتست و فراخ کننده روزیی پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم باسط کند باید که دایم با بندگان خدای تعالی
گشاده روی و خوش خاطر باشد و از طعام و شراب
دنیا آن قدر که بتواند بر ایشان فراخ کرد اند هر وقت
که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم باسط بروی
تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم باسط الله تعالی
ویرا تا حدی منبسط کرد اند که نظر بر جمال وی اندازند
در زمان اندوهش بجمعیت مبدل شود ان شاء الله
تعالی

الخافض یعنی خدای تعالی فرو نهنده است پس
هر بنده که خواهد که احصاء اسم خافض کند باید که کبر
و عجب و غیرهما از خود فرو نهد هر وقت که چنین کرده
باشد خدای تعالی باسم خافض بروی تجلی کند بعد ازان از
حیثیت اسم خافض الله تعالی جملهٔ مرادات وی را در کنار
وی نهد ان شاء الله تعالی الرافع هر بنده که خواهد که
احصاء اسم رافع کند باید که از باری که بر خاطر
برادران مؤمن باشد چندانکه بتواند بردارد
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم رافع
بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم رافع الله تعالی
رایت دولت وی را برافرازد ان شاء الله تعالی المعز
یعنی خدای تعالی عزیز کننده است پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم معز کند باید که با عزیز کردگان خدای تعالی
از دل و جان محبت ورزد و در امور دینی تابع
ایشان باشد و عزیز کردگان خدای تعالی متقیانند
بحکم ان اکرمکم عند الله اتقیکم هر وقت چنین
کرده باشد خدای تعالی باسم معز بروی تجلی کند

بعد ازان از حیثیت اسم معز الله تعالی وی را در دنیا
و آخرت عزیز و مکرم گرداند و حشر وی با متقیان کند
بحکم من احب قوما حشر معهم یوم القیامة ان شاء الله تعالی
المذل یعنی خدای تعالی ذلیل کننده است پس هر
بنده که خواهد که احصاء اسم مذل کند باید که نفس خود را
بصبر و قناعت و عزلت و تحمل خیال ذلیل گرداند
و با ظالمان و فاسقان که ذلیل کردگان خدای تعالی
اند چندانکه ممکن باشد بحکم شرع اهانت و خواری
کند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم
مذل بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم مذل الله تعالی
دشمنان وی را خوار و ذلیل گرداند السمیع یعنی خدای
تعالی شنوا است پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم سمیع کند باید که بد نگوید و گوش را از شنیدن
بدیها مانند بهتان و غیبت و غیرهما نگاه دارد
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم
سمیع بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم
سمیع الله تعالی بحکم فاذا احببته کنت سمعه
شنوای وی شود

تا وی نحو جز سخن حق نشنود ان شاء الله تعالی البصیر یعنی
خدای تعالی بیناست پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم
بصیر کند باید که من جمیع الوجوه بد نکند و چشم را از
هر چه نباید دیدن بپوشاند هر وقت که چنین کرده
باشد خدای تعالی باسم بصیر بر وی تجلی کند بعد از آن از
حیثیت اسم بصیر الله تعالی بحکم فاذا احببته کنت سمعه
و بصره بینائی وی شود تا وی نحو جز نه بیند ان شاء الله تعالی
الحکم یعنی خدای تعالی حاکم است پس هر بنده که خواهد که احصا
اسم حکم کند باید که اعتقاد کند که حکم جمله حاکمان نتیجه
حکم و اراده خدای تعالی است و هر چه در عالم واقع می شود
جمله بقضاء و قدر اوست تعالی شانه پس تسلیم حکم و ارادت
خدای تعالی شود و رضا بقضای وی دهد هر وقت که چنین
کرده باشد خدای تعالی باسم حکم بر وی تجلی کند بعد از آن
حیثیت اسم حکم الله تعالی باسم حکم تجلی کند بعد از آن از
حیثیت اسم حکم الله تعالی حکم وی را در عالم جاری کرداند
ان شاء الله تعالی العدل یعنی خدای تعالی داد دهنده
است پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم عدل کند باید که

اعتقاد

اعتقاد کند که امور و احکام خدای تعالی جمله بر عدل و احسان
نهاده است و هر که ظلم کرد سزا پرده آن حضرت نگردید است
پس من جمیع الوجوه طریق عدل و احسان پیش گیرد
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم عدل بر وی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم عدل الله تعالی بوی
دهد هر چه وی مستحق آن باشد و نگذارد که جز عدل
و احسان از وی چیزی دیگر صادر شود ان شاء الله تعالی
اللطیف الخبیر یعنی خدای تعالی نوازنده و نیکوکار است
و مطلع است بر سر مخلوقات و باخبر است از حال ایشان
و خبیر
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم لطیف کند باید که دائم
با بندگان خدای تعالی نیکوئی و نوازش کند و هر اندیشه
کند جمله خوب و با صواب باشد و از مکر و تلبیس و تزویر
و غیرها دور باشد هر وقت که چنین کرده باشد خدای
تعالی باسم لطیف و خبیر بر وی تجلی کند بعد از آن از
حیثیت اسم لطیف و خبیر الله تعالی وی را لطف محض
کرداند و از سر عالم و عالمیان باخبر ان شاء الله تعالی
الحلیم یعنی خدای تعالی بردبار است از جهت آنکه

هرچند بندگان بی فرمانی میکنند باوجود کمال قدرت غضب
نکند پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم حلیم کند باید که بآب
حلم آتش خشم فرونشانند و هرچند بندگان خدای تعالی
با وی طریق ادب رعایت نکنند وی تحمل و برد باری را
ورد خود سازد و اگر کسی وی را بیازارد باید که وی بر آنکس
شفقت و مرحمت کند و گوید اگر از من بوی آزاری نرسیده
بودی وی مرا نیازارد هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
باسم حلیم بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم حلیم الله تعالی
بحکم وانک لعلی خلق عظیم وی را با محمد صلی الله علیه و سلم حشر
کند ان شاء الله تعالی **العظیم** یعنی خدای تعالی بزرگترست که نبوت
عقل و فکر و فهم گرد سراپرده عظمت و کبریای وی تعالی شانه نتوان
گردیدن پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم عظیم کند باید که
از جهت تعظیم تعالی شانه امر و فرمان وی را من جمیع الوجوه
گردن نهد و هرگز نفس خود را بزرگ نشمرد زیرا که عظمت
و بزرگواری سزاوار حضرت عظیم است تعالی شانه هر وقت
که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم عظیم بروی تجلی کند
بعد از آن از حیثیت اسم عظیم الله تعالی وی را تا غایتی بزرگ
گردانند که

هر که در وی نظر کند بی اختیار وی را تعظیم کنند و امر وی را
گردن نهند ان شاء الله تعالی **الغفور** یعنی خدای تعالی
پوشاننده گناه بندگانست پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم غفور کند باید که گناه بندگان خدای تعالی را بنوعی
بپوشاند که در احصاء اسم غفار گفته شد هر وقت که چنین
کرده باشد الله تعالی باسم غفور بروی تجلی کند بعد از آن
از حیثیت اسم غفور الله تعالی گناه وی را چنان بپوشاند
که نه وی را از گناه خود خبر باشد و نه ملائکه را تا بغیر چه
رسد ان شاء الله تعالی **الشکور** یعنی خدای تعالی شکر
میکند بندگانی را که محکوم امر و فرمان خدای تعالی شوند
و بدانند که خدای تعالی وی را بعبث نیافریده است پس جان و
دل را بمعرفت دهد و تن را بطاعت هر وقت که چنین کرده
باشد خدای تعالی باسم شکور بروی تجلی کند بعد از آن
از حیثیت اسم شکور الله تعالی بحکم وقلیل من عبادی
الشکور وی را ستایش کند و ماوای جنت گرداند
ان شاء الله تعالی **العلی الکبیر** مفسران قدس الله
سرهم در شرح هو العلی الکبیر فرموده اند که این چنین کلامی
مفید حضرت

یعنی بزرگی منحصرست در خدای تعالی و در حقیقت غیر وی
بزرگ نیست پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم علی و کبیر
کند باید که بزرگی خدای تعالی را داند و اطاعت امر و فرمان
وی کند چنان که در احصاء اسم عظیم گفته شد هر وقت
که چنین کرده باشد خدای تعالی با اسم علی و کبیر بر وی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم علی و کبیر الله تعالی
وی را بزرگ و عالی جناب گرداند ان شاء الله تعالی **الحفیظ**
یعنی خدای تعالی نگه دارنده مخلوقاتست پس هر بنده که
خواهد که احصاء اسم حفیظ کند باید که نفس خود را
من جمیع الوجوه نگه دارد از بدی کردن تا از آتش
دوزخ غوطه نخورد بحکم ان الفجار لفی جحیم هر وقت
که چنین کرده باشد خدای تعالی با اسم حفیظ بر وی تجلی
کند بعد از آن از حیثیت اسم حفیظ الله تعالی وی را
از جمله آفات و بلیات زمانه در حفظ و امان خود
نگه دارد ان شاء الله تعالی **المقیت** یعنی خدای تعالی
تواناست بهر چه می خواهد و قوت دهنده مخلوقاتست
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم مقیت کند باید که

باید که حول و قوت خود را ایثار بندگان خدای تعالی کند و
دایم خواهان آن باشد که افتاده را دست گیرد و با
فرومانده یاران خاطر بردارد هر وقت که چنین کرده
باشد خدای تعالی با اسم مقیت بر وی تجلی کند بعد از آن
از حیثیت اسم مقیت الله تعالی بحکم فاذا احببته کنت
سمعه و بصره و یده دست وی را قوی گرداند تا با
اژدها نفس حرب تواند کرد ان شاء الله تعالی **الحسیب**
یعنی خدای تعالی حساب کننده مخلوقات و کفایت کننده
مهماتست پس هر بنده که خواهد که اسم حسیب کند
باید که هر روز معاملات نفس خود را با خود حساب
کند چنانکه امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه می کرد و هر
چند که بتواند کفایت حاجات محتاجان کند و
از آن خود را با خدای تعالی گذارد هر وقت که چنین
کرده باشد خدای تعالی با اسم حسیب بر وی تجلی کند
بعد از آن از حیثیت اسم حسیب الله تعالی حساب
روز شمار بر وی آسان گرداند و حاجات وی را
کفایت کند ان شاء الله تعالی **الجلیل** یعنی خدای تعالی

معز بزرگ است و کمال بزرگی وی راست تعالی شانه پس هر بنده که
خواهد که احصاء اسم جلیل کند باید که بعلم الیقین
بداند و بعین الیقین ببیند و بحق الیقین حق خود
بداند که جلالت و عظمت سزاوار حضرت جلیل
جبارست تعالی شانه و صفت بنده مسکینی بودنست
پس مسکین شود هر وقت که چنین کرده باشد
خدای تعالی باسم جلیل بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت
اسم جلیل الله تعالی حشر با بزرگ دینا و آخرت صلی الله علیه
وسلم کند بحکم اللهم احینی مسکینا وامتنی مسکینا
واحشرنی مسکینا فی زمرة المساکین برسانه تعالی علیهم
الکریم یعنی خدای تعالی بذات و صفات نیکوکارست
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم کریم کند باید که از
سر جد بلیغ و سعی تمام هر نیکویی که ممکن باشد کردن وی
با بندکان خدای تعالی بکند نی غرض عوض و منت هر وقت که
چنین کرده باشد خدای تعالی باسم کریم بروی تجلی کند
بعد ازان حیثیت اسم کریم الله تعالی از نکویی نگذارد که با وی
نکند ان شاء الله تعالی الرقیب یعنی خدای تعالی بر ظاهر و باطن
مخلوقات

نگهبانست و در نهان و آشکارا مثقال ذره هیچ چیز
بروی پوشیده نیست تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم رقیب کند باید که در نهان و آشکارا خدای تعالی بر حال خود
نگهبان داند و خود بر نفس خود دایم مراقب باشد که مبادا
که از وی اندیشه یا قولی یا فعلی صادر شود که نه سزاوار حضرت
عزت باشد تعالی شانه هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
باسم رقیب بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم رقیب الله تعالی
دین وی را نوری کرامت کند تا وی بدان نور نگهبان
ملک و ملکوت شود ان شاء الله تعالی المجیب یعنی خدای تعالی
اجابت کننده حاجات حاجتمندانست پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم مجیب کند باید که هر حاجتمندی که حاجت خود را
بروی عرض کند اگر امکان اجابت کردن باشد اجابت کند و نا
امیدش نگذارد و حاجت خود جز بر خدای تعالی عرض نکند
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم مجیب بروی
تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم مجیب الله تعالی حاجت وی را
روا دارد ان شاء الله تعالی الواسع یعنی خدای تعالی
فراخ کننده نعمت است بر هر که می خواهد پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم واسع کند

بايد که حسد را من جميع الوجوه از خود دور کند و همگی همت وی
بران باشد که نعمت خدای تعالی شانه فراخ باشد و هر نعمتی که خدای تعالی
بروی داده باشد بايد که از مستحقّ دريغ ندارد و هر وقت که
چنين کرده باشد خدای تعالی باسم واسع بروی تجلّی کند بعد ازان
از حيثيت اسم واسع الله تعالی نعمت دينی و آخرت را بروی فراخ
گرداند ان شاء الله تعالی الحکيم يعنی خدای تعالی داناست
بحقيقت جملهٔ اشيا کما هو حقه پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم حکيم کند بايد که زياده سری نکند و زبان اعتراض در ايجاد
مخلوقات را چنانچ می بايست آفريد آفريده و هر چه بر بنده
قضا کرده جمله عين حکمتست و نمی شايست که غير اين بودی که هست
پس من جميع الوجوه رضا بقضا دهد هر وقت که چنين کرده باشد
خدای تعالی باسم حکيم بروی تجلّی کند بعد ازان از حيثيت اسم حکيم
الله تعالی حقيقت اشيا را بوی نمايد تا وی با رسول صلی الله عليه وسلم
موافقت کند در گفتن اللهم ارنا الاشياء کما هي ان شاء الله تعالی
الودود يعنی خدای تعالی دوست دارندهٔ مطيعانست
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم ودود کند بايد که
کمر طاعت بر ميان جان بندد و با مطيعان خدای تعالی

[illegible]

هر وقت که

12

از سر صدق و صفا طريق مروّت ورزد که چنين کرده باشد
خدای تعالی باسم ودود بروی تجلّی کند بعد ازان از حيثيت
اسم ودود الله تعالی وی را تشريف خلعت خلّت و مودّت
مشرّف و مزيّن گرداند ان شاء الله تعالی المجيد يعنی
خدای تعالی بزرگوارست با کرم پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم مجيد کند
بايد که چندانکه بتواند با بندگان خدای تعالی فروتنی کند و فايده
رساند هر وقت که چنين کرده باشد خدای تعالی باسم مجيد
بروی تجلّی کند بعد ازان از حيثيت اسم مجيد الله تعالی وی را
مکرّم و بزرگوار گرداند ان شاء الله تعالی الباعث يعنی خدای تعالی
برانگيزانندهٔ است پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم باعث
کند بايد که بندگان خدای تعالی را بر طاعت کردن باعث شود
هر وقت که چنين کرده باشد خدای تعالی باسم باعث بروی تجلّی کند
بعد ازان از حيثيت اسم باعث الله تعالی وی را از قبر روسپيد
برانگيزاند ان شاء الله تعالی الشهيد يعنی خدای تعالی گواهست
و حاضرست پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم شهيد کند
بايد که در همه حال ناظر گواه حاضر باشد تعالی شانه و اگر در
حق کسی سخن گويد نگويد الا حق و هر چه را شرع نبوی صلی الله عليه وسلم

احصاء

[illegible]

منع کرده است و وی از آن اجتناب نماید مانند حرام خوردن
و پوشیدن و دروغ گفتن و غیبت کردن و بهتان نهادن
و دعوی بناحق کردن و اموال بندگان خدای تعالی بباطل تصرف
کردن و غیرها تا روز حساب از گواه حاضر شرمسار نشود
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم شهید بروی تجلی
کند بعد از آن از حیثیت اسم شهید الله تعالی بروز حساب پاکی
وی گواهی دهد ان شاء الله تعالی **الحق** یعنی خدای تعالی ذات
و صفات ثابت است یعنی دایم بود و هست و خواهد بود
تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم حق کند باید که
باید که اعتقاد کند که غیر حق باطل است بحکم الا کل شیء ما خلا
الله باطل پس باطل را بگذارد و در جمیع الوجوه رو بحق آرد
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم حق بروی تجلی
کند بعد از آن از حیثیت اسم حق الله تعالی دیده وی را نور
بخشد تا در هر چه نظر کند حق را مشاهده کند لاجرم
گوید ما رأیت شیئا الا و رأیت الله فیه ان شاء الله تعالی **الوکیل**
یعنی خدای تعالی بر می آرد مهمات کسی را که بروی اعتماد میکند
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم وکیل کند باید که اعتماد
کلی

13

بر خدای تعالی کند و اگر کسی اعتماد بر وی کند باید که از بهر وی
تا تواند بجان بکوشد و جمله مهمات وی را از آن خود داند
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم وکیل بروی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم وکیل الله تعالی جمله مهمات
وی را بنوعی که دلخواه وی باشد بر آرد ان شاء الله تعالی
القوی المتین یعنی خدای تعالی قادرست بهر چه می خواهد
و کمال قدرت وی راست تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم قوی و متین کند باید که تصور نکند که عالمیان را باستقلال
حولی و قوتی هست بلکه بحکم لا حول و لا قوة الا بالله خود را با
جمله مخلوقات چون خاشاکی متصور کند که در صحرا
افتاده باشد و باد تقدیر بهر جانب که می خواهد می گرداند
چون این حال را حق خود کرد از حول و قوت خود منسلخ شود
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم قوی و متین بروی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم قوی و متین الله تعالی
بکمال قدرت قوای وی قوی شود چنانکه حدیث قدسی خبر داده است
که فاذا احببته کنت سمعه و بصره و لسانه و یده و رجله
تا بحق بشنود و بحق ببیند و بحق گوید و بحق گیرد و بحق رود
ان شاء الله تعالی

الولی یعنی خدای تعالی دوست دارد و یاری دهنده مطیعانست
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم ولی کند باید که فی جمیع الوجوه
اطاعت امر و فرمان خدای تعالی کند و با مطیعان وی تعالی شانه
از دل و جان محبت ورزد و یاری دهد چنانکه در احصاء
اسم ودود گفته شد هر وقت که چنین کرده باشد خدای
تعالی باسم ولی بروی تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم ولی
الله تعالی بحکم الله ولی الذین آمنوا ویرا دوست کرد
و بحکم نحن اولیاءکم فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة در دنیا و آخرت
ناصر وی باشد ان شاء الله تعالی الحمید یعنی خدای تعالی حامد
خود است و از ان بندگان صالح پس هر بنده که احصاء اسم
حمید کند باید که دایم زبان و دل را بتحمید و تمجید و تسبیح خدای تعالی
مشغول گرداند و ثناء صلحا نیز گوید هر وقت که چنین کرده باشد
خدای تعالی باسم حمید بروی تجلی کند بعد از ان از حیثیت
اسم حمید الله تعالی ویرا در میان ملائکه حمد گوید
و حدیث قدسی این حال بیان کرده است چنانکه فرمود
انا عند ظن عبدی و انا معه اذا ذکرنی فی نفسه ذکرته
فی نفسی و ان ذکرنی فی ملاء ذکرته فی ملاء خیر منهم
ان شاء الله

المحصی

المحصی یعنی خدای تعالی اعداد جمله مخلوقات را از صغیر و
کبیر با اسماء و صفات و افعال ایشان می داند پس هر بنده که
خواهد که احصاء اسم محصی کند باید که اعتقاد کند که علم
خدای تعالی بکلیات و جزویات جمله مخلوقات محیط است
بر قول حکما پس بکلی رو فرا آن حضرت آرد تعالی شانه
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم محصی بروی
تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم محصی الله تعالی ویرا علمی کرامت
کند تا وی بدان علم احصاء و احاطه مخلوقات کند و خواص
ایشان را بداند ان شاء الله المبدی المعید یعنی خدای تعالی
ایجاد کننده جمله مخلوقاتست و چون رو بصحرای عدم
آرند هم احاطه اعاده خواهد کرد پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم مبدی و معید کند باید که اعتقاد کند که
خدای تعالی مبدی و معید جمله اشیاست هر وقت که می
خواهد اشیا را ایجاد کند و چون فانی می شوند اعاده
میکند پس رو بصحرای عدم آرد از هستی خویشتن
نیست شود بحکم موتوا قبل ان تموتوا هر وقت که چنین
کرده باشد خدای تعالی باسم مبدی و معید بروی تجلی کند

بعد از آن از حیثیت اسم مبدی و معید بر وی وی را بقایا بخشد
و قدرتی و کرامت کرداند تا وی خرق عادات تواند کردن.
انشاء الله تعالی **المحیی الممیت** یعنی خدای تعالی زنده کننده
و میراننده است پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم محیی و
ممیت کند باید که خویشتن را با جمله مخلوقات نسبت با ارادت حق
الله تعالی چنان تصور کند که میت در جنب غسال هر وقت
که چنین کرده باشد خدای تعالی با اسم محیی و ممیت بر وی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم محیی و ممیت الله تعالی
نفس وی را از هوا بمیراند و قلب وی را بنور معرفت خود زنده
ابد کرداند انشاء الله تعالی **الحی القیوم** یعنی خدای تعالی زنده است
که ابد الآباد بدین بوده و هست و خواهد بود و قایم است
بذات خود تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که احصاء حی و
قیوم کند باید که اعتقاد کند که در حقیقت زنده و پاینده
خدای تعالی است و قدرت خود جمله مخلوقات را در حرکت
آورده است چنانکه باد و اشجار را هر وقت که چنین
کرده باشد حق تعالی با اسم حی و قیوم بر وی تجلی کند بعد از آن
از حیثیت اسم حی و قیوم الله تعالی وی را زنده و پاینده دارد
انشاء الله تعالی

هیچ

الواجد یعنی خدای تعالی پاینده است که چیز بر وی پوشیده نیست
پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم واجد کند باید که اعتقاد
کند که هرچه بر عالمیان پوشیده است خدای تعالی آن را
جمله می بیند و می داند و از هر چیزی که در عالم پوشیده است
و هست و خواهد بود مثقال ذره بر خدای تعالی پوشیده نبوده
است و نخواهد بود تعالی شانه پس در پنهان و آشکارا
با خدا و خلق خدا یکرنگ باشد هر وقت که چنین کرده
باشد خدای تعالی با اسم واجد بر وی تجلی کند بعد از آن
از حیثیت اسم واجد الله تعالی وی را دولتی و کرامت کند
که وی هرچه خواهد بیابد انشاء الله **الماجد** یعنی خدای
تعالی بزرگوار است باستقلال پس هر بنده که احصاء اسم ماجد
کند باید که در حقیقت بزرگی و سزاوار بزرگی خدای تعالی
را داند جلت عظمته و اگر کسی را بزرگ شمرد از
جهت آن بود که بنده خاص آن حضرت است تعالی شانه
و خود را از کمینه بندگان آن حضرت شمارد بامید قبول
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی با اسم ماجد بر وی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم ماجد الله تعالی وی را از
بزرگان.

ومقربان آن حضرت با نصیب کرداند ان شاء الله **الواحد**
الاحد یعنی خدای تعالی واحدست باعتبار اسما و صفات
واحدست باعتبار ذات پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم واحد کند باید که اعتقاد کند که وجود جمله موجودات نتیجه
صفات اوست تعالی شانه هر وقت که چنین کرده باشد
خدای تعالی باسم واحد بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت
اسم واحد الله تعالی ویرا از سر توحید با خبر گرداند
تا وی نیز با اکابر طریقت موافقت کند در گفتن لیس فی الوجود
سوی الله و اسمائه و صفاته و افعاله فالکل هو وبه ومنه
والیه ان شاء الله **الصمد** یعنی خدای تعالی سیدیست منزه
از حاجت و برآرندهٔ حاجات بندگانست پس هر بنده که
خواهد که احصاء اسم صمد کند باید که اعتقاد کند که پناه
نیازمندان و برآرندهٔ حاجات حاجتمندان خدای
تعالی است پس هر حاجتی که ویرا پیش آید باید که بحکم یا موسی
سلنی ولو کان ملح عجینک بر خدای تعالی عرض کند
هر وقت چنین کرده باشد حق تعالی باسم صمد بروی تجلی
کند بعد ازان از حیثیت اسم صمد الله تعالی ویرا از جمله
حاجات مستغنی گرداند ان شاء الله

القادر المقتدر یعنی خدای تعالی بر جمیع مرادات
من جمیع الوجوه تواناست پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم قادر و مقتدر کند باید که اعتقاد کند که توانا و کامکار
بحقیقت خدای تعالی است هر چه خواست کرد و هر چه خواهد
میکند بحکم یفعل الله ما یشاء و یحکم ما یرید پس من جمیع
الوجوه ترک مراد خود گیرد و کار بمراد خدای تعالی گذارد
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم قادر و مقتدر
بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم قادر و مقتدر
الله تعالی ویرا قدرتی دهد تا وی هر چه خواهد تواند کرد
ان شاء الله تعالی **المقدم** یعنی خدای تعالی تقدیم کننده بعضی
اشیاء است بر بعضی چنانکه در ایجاد عالم تقدیم عقل بر
نفس و نفس بر عرش و عرش بر کرسی و کرسی بر افلاک و افلاک
سبعه بر عناصر اربعه و عناصر اربعه بر موالید ثلاثه پس
هر بنده که خواهد که احصاء اسم مقدم کند باید که من
جمیع الوجوه تقدیم اشغال دینی بر اشغال دنیوی کند
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم مقدم
بروی تجلی کند بعد ازان از حیثیت اسم مقدم الله تعالی

وی را در زمرهٔ مقدمان ابرار برد و دعای وی را بتقدیم
اجابت کند انشاء الله **المؤخر** یعنی خدای تعالی تاخیر کنندهٔ
بعض اشیاست از بعض چنانکه تاخیر عقوبت عاصیان
بر عافیت ایشان و قس علی هذا پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم مؤخر کند باید که من جمیع الوجوه تاخیر
اشغال کند که نفس را در آن حظی باشد هر وقت
که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم مؤخر بروی تجلی
کند بعد از آن از حیثیت اسم مؤخر الله تعالی دعای بلای ؟
وی را سبب تاخیر بندگان کرداند انشاء الله **الاول**
الآخر الظاهر الباطن یعنی خدای تعالی اول است
و آخر است از جهت آنکه قبل از جملهٔ اشیاست و بعد از
جملهٔ اشیا باقی خواهد بود تعالی شانه ظاهر است از حیثیت
ظهور اسما و صفات باطن است از حیثیت ذات پس هر
بنده که خواهد که احصاء اسم این چهار اسم کند باید که
اولا قدم در راه خدای تعالی نهد و عهد کند که من بعد هر
قول و فعل که از من صادر شود خالص مخلص مر خدای
تعالی را باشد و تا آخر عمر بدین عهد وفا کند و بظاهر
و باطن

من جمیع الوجوه توجه بدان حضرت آرد و از ما سوی الله
بکلی روی بگرداند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی
بدین چهار اسم بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت
این چهار اسم بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت الله تعالی وظاهر ؟
وی را از علوم اول و آخر و باطن را نصیب کرداند انشاء الله
الوالی یعنی خدای تعالی متولی صالحانست بحکم وهو یتولی
الصالحین پس هر بنده که خواهد که احصای اسم والی
کند باید که طریق صلاحیت پیش گیرد و جملهٔ مهمات خود را
بخدای تعالی تفویض کند هر وقت که چنین باشد خدای تعالی
باسم والی بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم والی
الله تعالی بسی مهمات بندگان را بدعاء وی ساخته کرداند
انشاء الله **المتعالی** یعنی خدای تعالی برتر است از تصور
که عالمیان در جلالت و عظمت و کبریایی وی تعالی شانه
کرده اند و میکنند پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم متعالی کند باید که با وجود کمال تحمید و تمجید با نبی
صلی الله علیه وسلم موافقت کند در گفتن لا احصی ثناء
علیک انت کما اثنیت علی نفسک هر وقت که چنین کرده باشد
خدای تعالی باسم متعالی

بر وی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم متعالی بر وی تجلی
کند بعد از آن از حیثیت اسم متعالی الله تعالی وی را بزرگ
و عالی جناب کرده اند و بصیرت وی را بنور معرفت خود
بینا کند تا خیال جلالت و عظمت و بزرگواری وی را
تعالی شانه مشاهده تواند کرد اسماء الله البرّ یعنی
خدای تعالی نیکوکار است پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم برّ کند باید که هر چند بتواند احسان و شفقت
از بندگان خدای تعالی دریغ ندارد هر وقت چنین کرده
باشد خدای تعالی با اسم برّ بر وی تجلی کند بعد از آن از
حیثیت اسم برّ الله تعالی بحکم انّ الابرار لفی نعیم وی را در
جنت باوی دهد اسماء الله التوّاب یعنی خدای تعالی
پذیرندهٔ عذر عاصیان است پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم توّاب کند باید که اگر روزی از نفس شیطانی از وی
عصیانی صادر شده باشد از سر ندامت روی فرا — تواب م
حضرت تعالی آرد و بدست عذر دامان کرم وی را
تعالی شانه بگیرد و اگر بنده از بندگان خدای تعالی
نسبت با وی عذر پیش آرد باید که فی الحال در پذیرد

18

و هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی با اسم توّاب بر وی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم توّاب الله تعالی عنه ما فات
وی را در پذیرد و سیئات وی را بحسنات مبدل کرده اند
بحکم اولئک یبدّل الله سیئاتهم حسنات اسماء الله المنتقم
یعنی خدای تعالی داد دهنده است یعنی داد مظلومان از ظالمان
خواهد ستاند پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم منتقم کند
باید که در حق عالمیان بد نگوید و بد نکند و از نیکویی هر چه
بتواند دریغ ندارد و هر چه خواهد کرد نخواهد و مثقال
ذرّه فرو گذار نخواهد بود بحکم فمن یعمل مثقال ذرّة خیرا یره
و من یعمل مثقال ذرّة شرّا یره هر وقت چنین کرده باشد
خدای تعالی با اسم منتقم بر وی تجلی کند بعد از آن از حیثیت
اسم منتقم الله تعالی وی را شوکت و شجاعت و کرامت کند تا داد
مظلومان از ظالمان بستاند اسماء الله العفوّ یعنی خدای تعالی
پوشانندهٔ گناه مجرمان است پس هر بنده که خواهد که احصاء
اسم عفو کند باید که اعتقاد کند که هر وقت که خدای تعالی عذر
مجرمی را در می پذیرد گناه وی را از دیوان اعمال وی چنان
محو می کرده اند که اثرش باقی نمی ماند پس هر اگر کسی نسبت با وی
بدی کرده باشد

مانند قصد مال و خون و غیرهما چون از در عذر درآید که
آن بدی را از لوح ضمیر خود چنان محو کند که قطعاً اثر شی
باقی نماند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم عفو بروی
تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم عفو الله تعالی قلم عفو در دیوان
اعمال وی کشد ان شاء الله **الرؤف** یعنی خدای تعالی رحمت کننده
است و کمال رحمت ویراست تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم رؤف کند باید که اعتقاد کند که رحمت خدای تعالی
در دنیا شامل است هر مؤمن و فاجر و کافر را اما در آخرت
مخصوص است بر مؤمنان پس من جمیع الوجوه طریق مؤمنان
و موحدان پیش گیرد و بر فاجران و فاسقان ترحم کند
و در حق ایشان دعای خیر دریغ ندارد هر وقت که
چنین کرده باشد خدای تعالی باسم رؤف بروی تجلی کند
بعد از آن از حیثیت اسم رؤف الله تعالی ویرا رحمت خود
بیامرزد ان شاء الله **مالک الملک ذو الجلال والاکرام**
یعنی عالم و هرچه در عالم است جمله ملک خدای تعالی است و جلالت
و عظمت و بزرگواری ویراست تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که
احصاء این دو اسم کند باید که هر که حاجت خود بر مخلوق
عرض نکند

هرچه خواهد از مالک ملک تعالی شانه خواهد و اگر همت
عالی دارد با ابراهیم صلوات الله علیه موافقت کند در گفتن
حسبی من سؤالی علمه بحالی یعنی از مالک ملک نیز نخواهد زیرا که
وی داناست بحال او هر وقت که چنین کرده باشد خدای
تعالی باین دو اسم بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت این دو
اسم الله تعالی بیش از دعا حاجات ویرا باجابت مقرون
گرداند و دولت عظیم کرامت کند ان شاء الله **المقسط**
یعنی خدای تعالی قسط کننده است بعدل پس هر بنده که
خواهد که احصاء اسم مقسط کند باید که اعتقاد کند که
هرچه در عالم بعالمیان می رسد جمله آنست که خدای تعالی
در ازل آزال از بهر ایشان قسمت کرده است بحکم نحن
قسمنا بینهم معیشتهم اگر سایلی سؤال کند که چون
هرچه بود و هست و خواهد بود جمله بمشیت و تقدیر
خدای تعالی است پس کافر را در کفر ورزیدن چه گناه
باشد چون آن کفر از آن نصیب وی آمده است جواب
گوییم که مشیت تابع علم است و علم تابع معلوم چون
خدای تعالی بعلم قدیم می دانست که استعداد کافر مقتضی
کفر است

اعطای ایمان منافی حکمت و عدل می بود قوله تعالی و ما
ظلمهم الله و لکن کانوا انفسهم یظلمون دال است برین معنی
که گفته شد فافهم چون اعتقاد کرده باشد باید که هرگز بر کس
حسد نبرد و بقسمت قسام تعالی شانه راضی شود و اگر وی را
چیزی باشد آن مقدار که بتواند در بندگان خدای تعالی قسط
کند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم مقسط
بر وی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم مقسط الله تعالی
وی را در مقام رضا برد تا دایم از خدای تعالی راضی و خشنود
باشد ان شاء الله **الجامع** یعنی خدای تعالی جمع کننده تفرقه است
و بکمال قدرت قادر است بر آنکه اشیاء متضاده را جمع کند
مانند ترکیب انسان و قس علی هذا پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم جامع کند باید که حدیث نبوی را صلی الله علیه
کار فرماید یعنی میان علم و عمل جمع کند چنانکه فرمود
العلم بلا عمل وبال و العمل بلا علم ضلال هر وقت که
چنین کرده باشد خدای تعالی باسم جامع بر وی تجلی کند
بعد از آن از حیثیت اسم جامع الله تعالی وی را در مقام جمع
برد تا سبب جمعیت عالمیان باشد و هر که تفرقه کرد سراپرده
جمعیت وی نه کرد ان شاء الله

الغنی المغنی یعنی خدای تعالی توانگر است که هرگز بهیچ چیز
محتاج نبوده است و نیست و نخواهد بود و هر که را می
خواهد غنی می کرداند تعالی شانه پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم غنی و مغنی کند باید که اعتقاد کند که بحقیقت
غنی مطلق و مغنی بی علت خدای تعالی است و غیر وی جمله
فقیرند بحکم والله الغنی و انتم الفقراء پس با وجود غنی مطلق
و عطا کننده بی علت باید که قطع طمع بکلی از فقرا بکند و احتیاج
خود بریشان عرض نکند و اگر وی را چیزی باشد از یشان
دریغ ندارد و اگر بر وی حاجت عرض کنند تا تواند اجابت
کند و هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم غنی و مغنی
بر وی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم غنی و مغنی الله تعالی
وی را از عالمیان مستغنی کرداند ان شاء الله **المانع**
یعنی خدای تعالی باز دارنده مضرت و منفعت است از هر که
می خواهد پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم مانع کند
باید که اعتقاد کند که اگر عالمیان جمله جمع شوند و خواهند
که شخصی را مضرت و منفعت رسانند اگر خدای تعالی نخواسته
است منع می کند پس خدای تعالی را بیاد گیرد و از غیر خدای
تعالی را

زبان

بیاد گیرد و از غیر خدای تعالی که نه سودی توانند رسانید و نه
ایمن شود و نفس خود را از هوا منع کند هر وقت که چنین
کرده باشد خدای تعالی باسم مانع بروی تجلی کند بعد از آن
از حیثیت اسم مانع الله تعالی بلای دنیا و عذاب آخرت را از وی
منع کند اسماء الله الضار النافع یعنی خدای تعالی مضرت
رسانند و منفعت رسانند است پس هر بنده که خواهد که
احصاء اسم ضار و نافع کند باید که اعتقاد کند که نفع و
ضر و خیر و شر جمله بارادت و قدرت خدای تعالی است پس
باید که بیمش از و باشد و امید بوی تعالی شانه و تا تواند
مشفقی بر نفس خود بنهد یا منفعتی به بندگان خدای تعالی رساند
هر وقت چنین کرده باشد خدای تعالی باسم ضار و نافع بروی تجلی کند
بعد از آن از حیثیت اسم ضار و نافع الله تعالی وی را از مضرت دنیاء
نگه دارد و بمنفعت کثرت رساند اسماء الله النور یعنی
تعریف نور چنین کرده اند که ظاهر لنفسه و مظهر لغیره یعنی
خدای تعالی بخود ظاهر است و عالم بدو تعالی شانه پس هر بنده که
خواهد که احصاء اسم نور کند باید که اعتقاد کند که صاحب
وجود لذاته خدای تعالی است و سایر موجودات بنور وی
ظاهر شده اند تعالی شانه

21

شانه

پس قطع طمع از بن وجود آن کرده دامان کرم صاحب جود را تعالی
بگذارد و پیوسته با رسول صلی الله علیه و سلم موافقت کند در گفتن
اللهم اجعلنی نورا هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم نور
بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم نور الله تعالی وی را نور محض
گرداند تا از ظلمت امکانیت بکلی خلاص یابد اسماء الله الهادی
یعنی خدای تعالی رهنما است پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم هادی کند
باید که اعتقاد کند که بحقیقت رهنمای خدای تعالی است مر کرا وی راه
نمود کسی اضلال نکرد و هر کرا راه نمود کسی راه نتوانست نمود
پس طریق بندگی در پیش گیرد و پیوسته از خدای تعالی بحکم اهدنا
الصراط المستقیم طلب هدایت کند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم
هادی بروی تجلی کند بعد از آن از حیثیت اسم هادی الله تعالی وی را راه نماید
و در رشد خلایق کرده اند اسماء الله البدیع یعنی خدای تعالی پدید آرنده
بی مثل است پس هر بنده که خواهد که احصاء اسم بدیع کند باید که اعتقاد
کند که خدای تعالی عالم را از کتم عدم بصحرای ظهور آورده است بنوعی که
نظیر ندارد زیرا که از بی نظیر هر چه صادر شود بی نظیر خواهد بود پس
تسلیم در برافکند و کمر طاعت بر میان بندد و زبان اعتراض
کوتاه کند هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم بدیع بروی تجلی کند
بعد از آن از حیثیت اسم بدیع الله تعالی وی را از بی ضلان گرداند تا با سلطان
العارفین

موافقت کنند در کفتن من مثلی و هل فی الدار غیری انشاالله الباقی الوارث
یعنی خدای تعالی همیشه بود و هست و خواهد بود عز شانه و میراث کیرنده
مخلوقاتست بس هر بنده که خواهد که احصا اسم باقی و وارث کند باید که اعتقاد کند
عالمیان جمله فانی خواهند شد و بحقیقت باقی خدای تعالی خواهد بود عز شانه در خبر است
که چون عالمیان فانی شوند خدای تعالی ندا دهد لمن الملک الیوم لله الواحد القهار
چون نوع اعتقاد کند باید که ادب را رعایت کند و ملک خدای تعالی را بخود اضافت
نکند و اکر از ان خود تصور کرده باشد باید که بحکم و هو خیر الوارثین میراث دار
سپارد تعالی شانه و اکر در دست خود امانت داند بحکم آن تؤدوا الامانات
الی اهلها بصاحب امانت رجوع کند چون ملک و مال و حیات و علم و ارادت و قدرت
و سمع و بصر و کلام بخدای باقی رجوع کند خود با سر هر قه تا بود کو خود بود و
از ینجا کفته اند بیت تو ایاز پوستین را یاد دار تا نمانی دور از محمود خویش
هر وقت که چنین کرده باشد خدای تعالی باسم باقی و وارث بروی تجلی کند
بعد از ان از حیثیت اسم باقی و وارث الله تعالی وی را حیات ابدی و
ملک سرمدی کرامت کند و رتبه انبیا شن کرد انشاالله الرشید یعنی
خدای تعالی مستقل است در امور احکام خویش تعالی شانه بس هر بنده
که خواهد که احصا اسم رشید کند باید که در راه خدای تعالی بصاحب القمیصین
یعنی مذبذب حال که یک لحظه طاعت کند و لحظه دیگر معصیت بلکه از
جان و دل یک رنگ و یک جهت باشد هر وقت که چنین کرده باشد
خدای تعالی باسم رشید بروی تجلی کند بعد از ان از حیثیت اسم رشید الله تعالی
وی را در طریق دین راشد کرد انشاالله الصبور یعنی خدای تعالی
شتاب کار نیست بس هر بنده که خواهد که احصا اسم صبور کند باید که
در کارها شتاب نکند و هر بلا و پریشانی که بوی [illegible] تا امکان صبر
کردن باشد صبر کند و هرکز از کرسنگی و تشنگی و برهنگی و خواری
خلق ننالد چون صبر را شعار خود سازد خدای تعالی باسم صبور بروی

تم